



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ طی ۱۰۰ شماره و در تیر ماه برای تیرماه جمادی سمرقند و همراه با آئین افتخار میاید

شماره بیست و سوم - پنجشنبه ۲۸ مرداد ماه ۱۳۰۰

تدارک پر شکوه در آلمان فدرال

مصاحبه اختصاصی با سفیر شاهنشاه آریامهر در برن

* چراید ایرلند درباره جشن شاهنشاهی چه مینویسند؟

روزنمایش دوخصلت حامی و حافظ آئین شاهنشاهی ایران

امروز، مصادف با روز تاریخی قیام ملی ۲۸ مرداد است. روزی که در تعیین قطعی سرنوشت تاریخ معاصر ایران، نقش مهم و اساسی دارد. روزی که ملت ایران، پالاراده قاطع، و باچنان دلیری که فقط در تاریخ ایران، و درلحظه‌های حساس، میتوان نظیر آنرا یافت، آئین شاهنشاهی را، که هدف کین‌توزانه‌ترین، و خطرناک‌ترین دشمنیه و بورش سیاسی واقع شده بود، از مهلکه دربرده، و خود را میان آئین شاهنشاهی و دشمنان آن قرار داد. روزی که نمایش دوخصلت حامی و حافظ آئین‌دوختارو یاضد ساله شاهنشاهی ایران میسر گشت، ازلیکسو، شاهنشاه، در بحرانی‌ترین دوران توطئه‌چینی سیاسی مهیب دشمنان خارجی و داخلی ایران، به‌حمایت از ملت خویش، باهمربانی و عطفوت پدری که راضی نشود، چین به پیشانی فرزندش بیفتد، کشور را ترک گفتند تا ازخسوندیری و براندگی داخلی جلوگیری شود، و از سوی دیگر ملت ایران، مردنی که از اعناق جامعه شهری و روستائی ایران برخاسته بودند، از شنیدن خیر توطئه‌چینی، و سفر شاهنشاه، بههیجان آمدهند، و برپاخاسته خطر را با تمام‌مهابت آن احساس کردند، و بهخیابانها ریخته، با دست خالی، باپیراهن‌چالنده، و پنه‌های باز، باچهره‌هایی از خشم برافروخته، و فریادهای آتشین، و شته‌های گره شده، چون رشته‌های بسیار و تندآب که از کوهسار سرازیر میشود، و نقطه به‌نقطه بهم می‌ریزند، درپشت دشت و جلگه، این رشته‌های بهم‌آویخته سیل بنیان‌کن پدید می‌آورد، جوانان، کودکان، سالمندان، پیران، از زن‌ومرد در خیابانها بهم پیوستند، و دران و پرخروش، و باکشش نامرئی، بجانب هدفی که دران فساد و توطئه دشمن یا دشمنان ایران بود، براه افتادند، بی‌آنکه از قبل کسی آنها را خبر کرده باشد، یا تجویز و سبخی درمیان باشد، و این پیداری و آگاهی ملی میمیزای به‌وجود آورد که تا مدتی دنیا باور نمیکرد. دشمنان ایران از خارج و عامل مزدور داخلی، از سرخ تا سیاه، که در موضع قدرت نشسته‌بودند، بظاهر فرماندهی ارتش، و مجموع قدرت نظامی ایران را بدست داشتند، و ازیک شبکه‌خراپکاری خطرناک که بعدها فاش شد، در داخل سازمان ارتش ایران برخوردار بودند، باوجود توپ و تانک و مسلسل و زردبوش که در خیابانها بمصاف مردم فرستادند، و از خون ملت، خونی که در آن نام طبقات زحمتکش نقش بسته بود، خیابانها را رنگین ساختند. اما، قدرت همگین و خونریزی بی‌ترحم

تیره در صفحه ۷

شر و ط حمایت از اقلیت مذهبی، ایجاد منطقه غیر نظامی و جریمه تخلف از پیمان در جالب‌ترین قرارداد ایران و رم

در صفحه سوم بخوانید

تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم - در صفحه ۷ بخوانید

* کتیبه بیستون باطل کننده دروغ بزرگ تاریخی است

۱۰۰ روز آلمان را از نظر

پادشاه کار در ایران باستان

«برداما»، به «شاکا» خزاندار، آنگهی میبهد: باید به «کارشا» و دو «شکل» ونیم‌سیم به یکسفر درودگر مصری بنام «هرداما»، سرکار صدفر کارگر که یکی از کارکنان روزمزد پارسه بوده، پانندان «یاضمان» هوکات است، پرداخت شود. این پرداخت، به‌گونه‌ای نقدی نیست، بلکه گوسفند و شراب داده میشود؛ بنظر آنکه یک گوسفند برابر سه «شکل» سیم و یک کوزه شراب برابر یک «شکل» سیم بشمار می‌آید. اندازهی یادشده بالا، شامل دست‌زدکاری است که در مدت ماههای هشتم تا دوازدهم سال سی‌ودوم (شاهنشاهی داریوش) انجام گرفته است. دست‌زد این‌مرد، درهرماه، برابر سه «شکل» و نیم بقیه در صفحه ۵

همبستگی قطره ها و انسانها

* داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان

سلسله مقالات شهریارانی که تاریخ با عنوان گیر از آنان تجلیل کرده است در صفحه ۵

۵۵ روز تا آغاز جشن‌های شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی، نمایش رستاخیز نوسازی ایران است

پوشش عمرانی بر تمام سطح

کشور گسترده شده است

در صفحه ۸ چاپ شده است

چهره سازنده جشنها

تفصیح در سیاست خارجی ایران

از: پرویز نواعین

بعده بنام حق پرستش «ملی» معروف شد. یعنی آنان اجازه داده که در ایران کلیسا و گورستان داشته باشند و از شرکت در آیین مذهبی زرتشت هم (مذهب رسمی ایران) معاف بودند، فقط باید از تبلیغ دین مسیح خودداری کنند. ژوستین البته برای یروان زرتشت در خطه ییزانس حاضرند که تا پیش رسیدن همین تساهل و مدارا را در پیش گیرد، ولی همچنان آن معاهده متعهد شد که از مهاجرت مسیحیان ایرانی که اغلب به نسطوریان بودند، بقلنرو ییزانس جلوگیری به عمل آورد و حتی متخلفان را تمیید کند (شاید که خسرو اول بخواستن مسیحیان از لحاظ ثروت یا مهارت‌های فنی‌شان احتیاج داشته است). معاهده فوق‌الذکر همچنین ماده‌یسی داشته بود: هر فرط (غیر نظامی) که کربن، یعنی هیچ‌نوع تاسیات نظامی تازه نمی‌باید در این معاهده مشترک ایجاد شود. از دقیق‌ترین این معاهد، ماده مربوط به جریمه بود که هرگاه تهدات ناشیه از قرارداد نقض میشد مورد اجراء قرار میگرفت. البته سرای این معاهده گواہ بر پیشرفت تمدن هردو کشور است. (۸)

بطوریکه از فضای این قرارداد استنباط میشود، میتوان آنرا مقدمه‌ای برای قرارداد های قرون جدید که رژیم کاپیتالیسم‌یون را در کشورهای مشرق‌زمین و مسلمان برقرار کرد بشمار آورد. درحقیقت از آن زمان دول مقتدر مسیحی‌اروپای، مذهب را دستاویز مداخلات خود در سایر کشورهای غیر مسیحی کردند. در مورد قرارداد مذکور، همان نویسنده می‌افزاید: «این حالت خودبینانه امپراطوران در مورد زندگی مسیحیان خارج از امپراطوری، خاصه (حالت) مداخله‌جویی بشود گرفت. امپراطوران خود را حامی مادرزاد این قبیل مسیحیان میدانستند، چنانکه این معنا از هنگامیکه صلح سال ۵۲۲ آشکار گردید، و هنگامی که ایرانین مسیحی‌مذهب، پس از انعقاد صلح، علیه فرمانروای ایرانی خود دست به‌غلایب زدن، امپراطور ژوستین، بدون توجه به قرارداد صلح مدعی‌شد که باید آنان کمک کند» (۹)

باید افزود که این عهدنامه هم در سال بعد یعنی در اوائل سال ۵۲۲ بدست جانشین ژوستین، امپراطور ژوستین دوم نقض گردید. نویسنده مزبور در این باره می‌افزاید: «هرچه ییزانس اصولاً نتوانست کشوری نبود که معاهدات را نقض میکرد، ایرانیان نیز بیش از آن یکبار یکی از عهدنامه‌های خود را نقض کردند» (۱۰)

ولی نویسنده درباره‌ایکه کدام معاهده را ایرانیان ابتدا نقض کردند توضیحی نداده است. شاید نقض پیمانگی که صورت گرفته بر اساس خدعه جنگی بوده که در آن زمان مجناز بوده‌است.

شروط حمایت از اقلیت مذهبی، ایجاد منطقه غیر نظامی و جریمه تخلف از پیمان در جالب‌ترین قرارداد ایران و روم

روابط مهم ساسانیان بیشتر با کشورهای مغرب و امپراطوری ییزانس بوده است. در این هنگام امپراطوری ییزانس در زمینه قرارداد دارای تشریفات و تاسیساتی بود که بعداً در حقوق بین‌الملل جنید اثر گذاشت. «آرتورنوس» استاححق بین‌الملل در دانشگاه کولومبیا می‌نویسد: «... یاری مهم و قابل توجه ییزانس به حقوق بین‌الملل در وقت و تازلف کاری و طرفت دیپلماتی و نحوه معاهدات آن است. باسیلیوس، بخلاف امپراطور مغرب زین مرتباً با همسایگان زورمنده خود موافقت نامه‌های امضاء میگرد، بخصوص با شاهنشاه ایران، با سلاطین روسیه و بلغارستان، کشور - شهرهای ایتالیا، - در خلیا بغداد و مصر - حکام درجه دوم مسلمان... دیپلماتی ییزانس سطوری سازمان پیدا کرد و توسعه یافت که در حقیقت نمونه و الگوی دیپلماتی کشورهای شرق و غرب شد. من‌اب: مثال: هر دو طرف معاهده باید معاهدات‌تراندر دوخته تهیه میکردند یک نسخه برای نگاهداری در پایتانی کشور متبوع و نسخه دیگر، ضمیمه ترجمه مندرج برای میالده با نسخی که از جانب طرف دیگر معاهده توضیح‌شده» (۷)

دوچانی‌بون تشریفات قرارداد نشانه این است که ایرانیان نیز در این دوره بایست دارای تاسیسات و پایتانی مشابهی با آنچه که در روم وجود داشته برای روابط خود با خارج و یا لال در روابط با رومیان (ییزانس) داشته باشند. آرتورنوس، بام، نویسنده مذکور در جای دیگر می‌نویسد:

«... از نظرگاه حقوقی، جالب‌ترین نمونه و نوع معاهدات ییزانس، معاهدات صلح قرن ششم بود که بین ییزانس و کشورهای ایران منعقد گردید، بخصوص معاهدیه که سال ۵۲۲ بین امپراطور ژوستین و خسرو اول پادشاه ایران انعقاد یافت باین معاهد، حمایت مشروط از اقلیت‌های مذهبی بنیاد گذارده‌شد و این امری است که در قرون بعد اهمیت بنزا پیدا کرد. خسرو اول قول بود که به مسیحیان همان حقی را اعطاء کند که

بودند، که خطر ناگزیرین پیشینه برای آیندهی نزدیک بود. اردشیر میتوانست خوبی خودستانی که که آجگاهی که داروش و خنایارشا در مانده بودند او کامیاب گشته است» (۲)

بناید فراموش کرد که این «صلح شاه» وقتی برقرار گردید که کمتر از یک قرن قبل از آن اورییس یونانی آسیا را بر سه اروپا خوانده بود.

در برسی تاریخ اشکانیان بندرت به نقض قول و شکست پیمان برخورد میشود. «سرسی سایگس» در باره صفات پارته‌ها (اشکانیان) می‌گوید: «صفات مشخصی آنها عالی، باسرا مهربان، در اقوال خود ثابت و در رعایت عهدو سامی بودند...» (۳)

مذاکله روایاتی وجود دارد که نشان میدهد پارته‌ها گاه بعنوان خدعه جنگی نقض عهدا جانی میدانستند مثلا پسواترگ روایت میکند پس از اینکه فرهاد چهارم (اشک چهارم) آنتونیوس سردار رومی را شکست داد چون این سردار برای اینکه سلامت عقب‌نشینی کند با نامیاندگان فرهاد مذاکره کرد و شرایط پیشنهادی را پذیرفت ولی در راه مراجعت وی پارته‌ها برخلاف پیمانگی که داشتند مزاحمت‌هایی ایجاد کردند» (۴)

از تشریفات مذاکره درجین جنگ در زمان پارته‌ها این بود، که گزاه کمانشان را قبل از آغاز مذاکره با دشمن بازمیکردند» (۵)

طبیعی است که این عمل برای جلب اعتماد نامیاندگان دشمن بود و یکنوع تضمین امتیاز و معوضت جانی بشمار میرفته است. این تشریفات از طرفی میتوانست نشانه رواج خدعه های جنگی و عدم اعتماد طرفین جنگ نسبت به یکدیگر بشمار رود. این بی‌اعتمادی گاه بدرجایه بوده که مانع از مذاکره برای عقد قرارداد و متارکه میگردد. بادست تاسیتوس روایت میکند درجینک بین تیرداد سردار پلانت اول (آگوستیدوم) با گریولسو سردار رومی هنگامیکه طرفین حاضر بنیاد بره مستقیم شدند پلت عدم اعتمادی که نسبت به یکدیگر داشتند بر ابطسنگینی برای حفظ امانیت خود تمهین کردند بعدی که بالاخره مذاکره وقوع نیافت و جنگ ادامه یافت. البته در این مورد نباید تصمیم‌گیری را بر عهده رمانجر را بر گردن پارته‌انداخت» (۶)

در زمان ساسانیان نیز پیمانهای متعدد با حکومت‌هایی که با ایران رابطه داشتند بستند و باتوجه به تمهینی که شاهنشاهان ساسانیت به بدین زرتشت‌داشتند و تائیدی که در دین زرتشت به پیمان‌داری شده است بدیهی است که ایشان احترام خوبی و پیمان‌ها قرضه اخلاقی و مذهبی خویش میدانستند و آثار و روایاتی که از آن زمان بجای مانده مودت این نظرات است.

۹-

در دوره هخامنشی یک‌مورد خاص‌از قرارداد پاک‌بانه وجود دارد که میتوان به اعلامیه‌های پاک‌بانه‌ای که ارزش قرارداد را دارند تشبیه کرد. این اعلامیه یا فرمان، که اساسی صلح بنام آنتالیاسا گردید در زمان اردشیر دوم (۴۰۴-۳۳۷ ق.م) صادر شد. این فرمان پس از صلح که بین اردشیر و آنتالیاسا نماینده امپراتور صورت گرفت از طرف اردشیر درباره کشورهای کوچک یونان صادر گردید و توسط «تیری پاند» سردار ایرانی در برابر نامیاندگان متحدین یونانی که در شهر سارد جمع شده بودند قرائت گردید. معسون فرمان بنا بر روایت گرفتن چنین بود:

«شاه اردشیر علاوه میداند، که شهرهای آسیائی، جزائر اگزومن و جزیره قیبر را مستملکات خود بداند. او نیز عادلانه میدانند، که آزادی و استقلال داخلی شهرهای دیگر یونانی‌را (یعنی یونان اروپائی را) به آنها رو کند باستثنای لوس، اسپروس، اسپیرس که کامیاب السبق متعلق به آن خوانده شود. اگر کسی این صلح را پذیرد من با او بمعیت کسی، که این صلح را پذیرفته‌اند، جنگ می‌کنم و این کار را در خشکی و دریا تعقیب خواهم کرد، بی آنکه از یکبار انداختن کشتی‌ها و صرف پول دیبش داشته باشم (۳۸۷ ق.م)»

پیرنیا نویسنده تاریخ ایران باستان که این قسم را از کتاب گزنفون (تاریخ یونان کتاب ۵ - فصل ۶) نقل کرده خود اضافه میکند « این سند را بعضی از مورخین عهدنامه آنتالیاسا نامیده‌اند، ولی نلد که گوید، که آترا عهدنامه نمیتوان دانست، فرمای بود که از طرف اردشیر صادر شد و این نظر صحیح‌تر است. موافق این صلح، که بموجب فرمان اردشیر برقرار شد، دول یونانی دیگر نمیتوانستند در شهرهای یونان در آسیا صغیر دخالت کنند و نیز نمیتوانستند چیزهای بحر الجزائر باستان را سه جزیره مذکور دست‌اندازند. یعنی جزایر بحر الجزایر مستقل میشدند و خود این دریا منطقه بطرف بین ایران و یونان می‌گردید. بالاخره دول یونان حق نداشتند با یکدیگر پیمانای توسعه نفوذ خود بر بند نالشی عهدی ببندند و معلوم است که در اینصورت نفوذ ایران در یونان محکوم میشد... درباره اهمیت این سند سخن بسیار رفته است زیرا برای این فرمان یونان بدولتهای کوچک و مستقل تقسیم شد و نفوذ ایران در یونان مستقر گردید و متن آن تا ظهور فیلیپ مقدونی و تسلط وی بر کشور های یونان در روابط بین دول یونان متبیر بود. ولنه که خوارشاهان در این باره گویند: «در دریا پارسی اهمیت واقعی این سندرانیونانستند بقیضند، زیرا طبیعی میدانند، که در رئیس یک دولت جهانی باید فقط حکم کند... ولی در هیچ‌جا یونان مانده آنرا حق نکرده‌اند، که صلحی که بوسیله فرهاد شاه برقرار شده چقدر موهناست...» (۱)

استند ایران بازمی‌گوید: «تاریخ‌نویسان امروزین این احترام مشکوک را به آنتالیاسا میدهند که صلح بنا‌هم خوانده میشود. مردم باستانی با پیشینه بیشتری، آنرا مرتب صلح شاه و میخوانند. هیچ زمانه‌ی آن توانست آنکار کند که این صلح را همان فرهاد داد. ... بر اثر این صلح... شهرهای پرجمعیت و ثروتمند یونانی آسیا به پادشاهی تسلیم شد و سخرانندگان و سخرانان یونانی هرگز از خطاب کردن به اوزیرام «پریری» خسته نمیشدند... پیروزیهایی سال‌های گذشته یونان همه معنای خود را از دست داد. بدی اژمه، یونان ایران حق مداخله پارسی را در کارهایی که صرفاً اروپایی بود پذیرفته

- (۱) - (تاریخ ایران باستان) - جلد چهارم - از نسخه ۱۱۱۷ تا ۱۱۲۲
- (۲) - استند (تاریخ هخامنشی) - از نسخه ۵۳۲ و ۹۴۹
- (۳) - (تاریخ ایران) - تالیف ژنرال سرریس سایگس - مذکور در قبل جلد اول ص ۴۹۸
- (۴) - (تاریخ ایران باستان) - در مقدمه جلد پنجم - صفحه ۳۳۸ - بعد از پلواترک - کتاب آنتونیوس - ص ۵۵۴
- (۵) - (تاریخ ایران باستان) - مذکور در قبل جلد نهم - صفحه ۳۳۸ -
- (۶) - (تاریخ ایران باستان) - مذکور در قبل جلد نهم - صفحه ۲۴۳۷ -
- (۷) - (تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل) - تالیف پرسفور آرتورنوس - ترجمه فارسی - چاپ موزه امیرکبیر - صفحه ۳۶
- (۸) - (تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل) - تالیف پرسفور آرتورنوس - ترجمه فارسی - چاپ امیرکبیر - صفحه ۹۸
- (۹) - (تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل) - تالیف پرسفور آرتورنوس - ترجمه فارسی - چاپ امیرکبیر - صفحه ۹۹
- (۱۰) - (تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل) - تالیف پرسفور آرتورنوس - ترجمه فارسی - چاپ امیرکبیر - صفحه ۹۸ و ۹۹

صفحه ۴

روزنامه جشن شاهنشاهی

بخش های ۱۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران



گزارش های رسیده از آلمان غربی حاکیست که در این کشور برای تدارک جشن شاهنشاهی ایران فعالیت بسیار وسیعی انجام می گیرد. در زیر گزارش دفتر مطبوعاتی ایران پرس درین راه که پس از مصاحبه با سفیر شاهنشاه آریامهر در آن شهر درباره این تدارکات تهیه شده و اختصاصاً برای روزنامه جشن شاهنشاهی ارسال گردیده مطالعه می فرمائید :

مصاحبه اختصاصی با سفیر شاهنشاه آریامهر در بن

تدارک پر شکوه آئین جشن شاهنشاهی ایران در آلمان

جایی از ایران در اختیار ترتیب دهندگان نمایشگاه گذاریمندست. نمایشگاه دیگری بر سر پی رفرفور هوئل (Hummel) در کاخ لندنیش (Ländlich) در نزدیکی شهر نویسینگ تشکیل میگردد که در آن کلیه کتیبه ها و تصاویر آلمانی راجع به ایران در مختصری ایرانی برای نمایش خارجی بخصوص آلمانی نگاشته اند و یادوری می شود.

ملیر کاتبخانه ملی شهر ماوربورگ نیز در نظر دارد با همکاری بخش اسلامی موزه برلین نمایشگاهی از کتیبه های خطی ایران تشکیل دهد.

ضمناً محله کاوه در نویسینگ شماره مخصوصی در دولت پونجاه صنعت به زبانهای فارسی و آلمانی بنامت جشنهای شاهنشاهی منسخر خواهد کرد.

محله خاور (Orient) نیز مطابق راجع به جشنها انتشار خواهد داد. و آلمان تشکیل سمینار در دانشگاه های آلمان

۱- آقای پرفورسلر هیم (Selheim) رئیس سمینار شرقی آلمان (گوتته) فرانکفورت مخصوصاً برای درباره حکیم عمر خیام و این بطوطه سیاح معروف که راجع به ایران در قرن چهاردهم اطلاعات جالبی گردآوری و تألیف کرده است ترتیب داده و درباره تأسیسات شاهنشاهی ایران نیز بحث خواهد کرد.

۲- آقای پرفور اسپوله (Spuler) رئیس سمینار تاریخ و تمدن خاورزمین در دانشگاه هامبورگ در شش ماهه تحصیلی جاری سمیناری راجع به بنیاد شاهنشاهی ترتیب میدهد.

۳- آقای شرآت (Scherath) رئیس رشتنرانیان دانشگاه هامبورگ در سمینار اسامی ایرانیان و تاریخ بنیادگذاری شاهنشاهی سمیناری تشکیل و از متفکرین دیگر دعوت خواهد کرد راجع به تاریخ هخامنشی سخنرانی های ایراد کند.

۴- آقای پرفور والتر هینز (Walter Heinz) رئیس سمینار ایران شناسی دانشگاه گوتینگن در ترم تابستانی ۱۹۷۱ و ترم زمستانی ۱۹۷۱-۷۲ به سمینار درباره تاریخ دوران هخامنشی و آلمانی در دانشگاه ترتیب خواهد داد آقای ششمین (Schimpmann) نیز در زمینه ایرانی شناسی سخنرانی خواهد داد.

۵- آقای پرفور هانس رومر (Hans Roemer) رئیس سمینار خاورشناسی دانشگاه فریبورگ در سمینار در آن دانشگاه راجع به زبان و فرهنگ ایران ترتیب خواهد داد و طی آن جشنهای دوهزار و باصمیمین سال تأسیسات شاهنشاهی ایران را به بحث خواهد گذاشت.

۶- در سمینار رومیس (Romyis) استاد دانشگاه گوتینگن در ترمستان سال جاری پرفور تاملپ (Tampl) در تمدن شرقی سخنرانی خواهد کرد.

۷- آقای پرفور براون (Braun) از دانشگاه هامبورگ درباره زبانهای ایرانی و تاریخ کهنسال این سرزمین مباحثی ترتیب خواهد داد.

ضیافتها

همزمان با آئین بنیاد شاهنشاهی ایران، سفارت شاهنشاهی در کلن میللی با شکوهی ترتیب خواهد داد به علاوه سرگولگری شاهنشاهی در نویسینگ - سرگولگری شاهنشاهی در هامبورگ - تمیحه باغ ملی در هامبورگ و شرکت هوابومیالی (ها) در فرانکفورت و انجمن ایران و آلمان درین مجالس جشنی برگزار خواهد کرد. در مرتبه نویسی دفتر مطبوعاتی آریامهر - بن - بر مرتبه نویسی

کتاب مورد بحث یکی از بهترین کارهایی خواهد بود که تاکنون در زمینه فرهنگ - تمدن و تاریخ ایران نوشته شده است زیرا گروهی از زینه ترین دانشمندان شرق شناسی که عمری را در راه تحقیق و جستجی در باره ایران گذرانده اند، دست اندر کار تهیه و تدوین این اثر بزرگ میباشند که تاکنون قسمتهای عمده ای از آن آماده شده است.

۲- رادیو و تلویزیون

سازمانهای رادیویی و تلویزیونی آلمان این عملیات پیش برای انعکاسی جشنهای شاهنشاهی ایران جنب و جوش درخور تصنیف را آغاز کرده اند.

رای نمونه بوداری از این فعالیتها باین شرح است:

۱- آقای فرنتون (Von Khonne) نماینده تلویزیون جنوب در ماه آوریل گذشته بارلین سفر نموده و یک فیلم ۵۰ دقیقه ای راجع به تمدن گذشته و معاصر ایران و سیرتفاهای کنونی کشور تهیه کرده که در ماه اکتبر در یکی از بهترین برنامه های تلویزیونی پیش خواهد شد.

۲- آقای وگنر (Wegner) نماینده تلویزیون ساارلوند و کیل دیگری تحت عنوان (دوازده پرچم سفید) تهیه کرده است که در بخش اصلی برنامه های تلویزیونی برای بخش نظر گرفته شده است.

۳- آقای بریگر (Briger) از تلویزیون دوم آلمان فیلم مستند و ارزنده ای راجع به ایران تهیه نموده که قسمتی از آن جشنهای دوهزار و باصمیمین سال شاهنشاهی اختصاص داده شده است. علاوه بر این مستند و تهنیتی که وزارت اطلاعات ایران برای مضمین خارجی فراهم نموده است غده زبانی از خبرنگاران رادیو و تلویزیون و مطبوعات مقربان با جشنهای شاهنشاهی بارلین مناسرت و مطالب مفصلی تهیه خواهد کرد.

رادیو صدای آلمان نیز در نظر دارد برنامه های متنوعی راجع به جشنها پیش نماید. علاوه بر تعداد زیادی از روزنامه ها و مجلات سرگرم تهیه مقالاتی هستند.

رای دانشجویان ایرانی که علاقمندان همزمان با مراسم جشن در ایران باشند تهنیلات لازم فراهم شد تا با استفاده از بلیط ارزان قیمت پایین پرواز کنند. در نظر است برای توریستهای خارجی نیز چنین کمپانی فراهم شود.

اهمیت کمیته آلمان

سفیر شاهنشاه آریامهر درباره کمیته افغانی جشنها گفتند: جراح میباشند گفت که کمیته آلمان از برجستترین و جامع ترین کمیته ها بوده و تمام رهبران اصحاب مهم و شخصیت های درجه اول سیاسی نظیر رئیس جمهوری - سرمدارمل و وزیر خارجه در آن شرکت دارند. علاوه بر وزیر دادگستری - رئیس وزیران ایالات - شهردار حاکم برلین رئیس حزب دمکرات مسیحی - رئیس حزب سوسیالیست مسیحی - قائممقام حزب سوسیالیست دمکرات - روسای کمیسیونها و کمیته های پارلمانی - بسیاری از نمایندگان مجلس فدرالی - روسای سازمان های صنعتی - موسسات اقتصادی و فرهنگی - روسا و ایتدای دانشگاهها و مدیران کل رادیو تلویزیونها و شخصیت های درجه اول مطبوعاتی در این کمیته عضویت دارند.

کمیته کار و آموزش

این کمیته که مسئولیت سنگین برگزاری و انجام امور جشن را بعهده دارد مرکبات از سفیر شاهنشاهی - همر سفیر شاهنشاهی - معاون پیشین وزارت کشاورزی و رئیس کنونی انجمن ایران و آلمان - معاون انجمن ایران و آلمان - چندین از شرق شناسان - ایران شناسان و باستان شناسان و اعضای عالی رتبه سفارت شاهنشاهی.

ارکستر معروف باروک دربار

سفیر شاهنشاه آریامهر درباره سایر فعالیت های مربوط به جشن های شاهنشاهی گفت علاوه بر آنکه دولت و صنایع آلمان در تهیه کتب و نشریات مهم و تأمین هزینه چاپ و انتشار آنها بنحو برجستنی از خود سعی به قدرشنا داده اند و این اضافه کرد که دولت آلمان گروه پنجاه نفری ارکستر سفوفی باروک را که در مراسم جشن شاهنشاهی بارلین اتمام خواهد نمود برای نژاد دانش انجمنها و کتیبه های فرهنگی که بگویی صدها ار مارک هزینه سفر این ارکستر میباید که دولت آلمان آن را تقبل کرده است.

نمایشگاه و جشن

سفیر شاهنشاهی افروندن مرحله دیگری از کار ما ایجاد نمایشگاه مجلل و آبرومند در هامبورگ مقربان برگزار می جشن ها میباید که با تشریک مساعی سرگولگری شاهنشاهی و بازرگانان ایرانی مقیم آن شهر ترتیب داده خواهد شد و پیش از یکصد هزار مارک هزینه بر هزینه این خواهد بود که بوسیله بازرگانان ایرانی پرداخت می شود.

نمایشگاه جالب و ارزنده ای از نقیص ترین کتب خطی قدیم ایران از ۱۳ تا ۲۴ ژوئیه در دانشگاه گوتینگن تشکیل میگردد و در این مورد باید گفت که کتابخانه دانشگاه گوتینگن دارای دوهزار چند کتب نقیص خطی ایرانی میباشند. ضمناً از طرف وزارت شاهنشاهی عکسهای

مجاہست که در آلمان فدرال شور زایدالوفی در تدارک آئین پر شکوه شاهنشاهی ایران مشاهده میشود. رئیس جمهوری - سرمدارمل و وزیران و نمایندگان - شرق شناسان - صاحبان صنایع و بسیاری از مویسات فرهنگی - بازرگانان و مطبوعاتی و مردم عادی از این جشن بزرگ تاریخ محبت می کنند.

همه روز غده زبانی از روزنامه نگاران با سفارت ایران در کلن - دفتر مطبوعاتی ایران پرس واقع در خانه مطبوعات در بن و نمایندگی های شاهنشاهی در شهرهای دیگر آلمان مراجعه و اطلاعات مورد نیاز خود را درباره جشنهای وزارت کتبه های شاهنشاهی کهنسال ایران دریافت می دارند.

دکتر هایمان رئیس جمهوری آلمان، علیرغم برنامه های تفریباتی که همزمان با روزهای جشن در آلمان برگزار خواهد شد تصمیم خود را برای حضور در مراسم جشن شاهنشاهی اعلام کرده است. و بوسیله علت مطبوعات آلمان رادیو و تلویزیونها اینکتور گزارش های جالب و مفصلی درباره چگونگی برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران انتشار دادند.

اکون متن این مصاحبه اختصاصی با سفیر شاهنشاه آریامهر بنظر خوانندگان فرمید.

سفیر شاهنشاه آریامهر در جمهوری فدرال آلمان طی مصاحبه ای با مطبوعات آلمان در روزهای گذشته دربارت جشنهای دوهزار و باصمیمین سال بنیاد - سفیر شاهنشاهی را در حضور آلمان مشروحا بیان داشت.

شاهنشاه آریامهر نقیص گفت مقام دولتی و همچنین صاحبان صنایع و مویسات فرهنگی آلمان با شور و علاقه ای کویظیر در این فعالیتها شرکت نموده و برای اجرای هرچه پر شکوهتر این آئین یکتا تدارک وسیعی چیده اند که جا دارد این هتکار و دوستیهای بارز و کیش مورد سپاسگاری قرار گیرد.

اهم فعالیتها را که تاکنون از جانب سفارت شاهنشاهی ترتیب داده شده است و در مصاحبه اختصاصی با سفیر شاهنشاهی مشاهده می فرمائید:

۱- امه مطبوعاتی

مطبوعات آلمان برای بزرگداشت جشن دوهزار و باصمد سال تاریخ کتوهند شاهنشاهی ایران در سطح وسیعی تاکنون هتکارهایی خود را اعلام داشته اند. برای نمونه روزنامه (دیپولت) که از جراد معتقد آلمان میباشد یک شماری مخصوص منتشر خواهد کرد و صفحاتی از روزنامه را به تفریح تاریخ ایران - انقلاب بنیاد و تهنیلات ملی به جایبه ایران و هتکار و مطبوعات و دوهزار و باصمد سال شاهنشاهی اختصاص خواهد داد. شماره ایران (دیپولت) روز نویس و ششم اوت - مطابق عقاب شهریور ۱۳۵۰ منتشر میشود.

روزنامه (هندلاند) (Handelnd) که بزرگترین نشریه افغانی و سیاسی آلمان فدرال است روزنژاد مطبوعاتی در تجلیل از جشن های شاهنشاهی و بیطرف های ایران درج خواهد کرد.

سفارت شاهنشاهی را با تاکنون یک نشریه مشتمل بر هت فصل منتشر نموده است که در آن مطالب مربوط به جشنهای شاهنشاهی زبان آلمانی درج و بین علاقمندان توزیع گردید. علاوه بر این از طرف سفارت شاهنشاهی با تشریک مساعی کمیته جشنها در آلمان و انجمن ایران و آلمان نشریه دیگری منتشر خواهد شد که در آن مقالاتی درباره ایران جدید و ایران و ایران قدیم بجای خواهد رسید.

یک نشریه توریستی نیز از طرف قسمت مطبوعاتی سفارت شاهنشاهی در دست چاپ است که در آن کلیه اطلاعات مورد نیاز توریستها و افرادی که مقربان با برگزاری جشن دوهزار و باصمد سال شاهنشاهی بارلین میروند ملظ مشروح و قابل استفاده ای ذکر شده است. علاوه بر نشریات مذکور کتاب ارزشی تبلیغی چندین از نویسندگان و متفکرین و دانشمندان آلمانی راجع به ایران انتشار خواهد یافت. سفیر شاهنشاه آریامهر درباره این کتابها افروندن: بطور قطع

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران نیز مخصوص وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با جراید کشور و برابر با نیراز کلیه روزنامه ها چاپ و منتشر می شود.

تهیه و تنظیم زیر نظر: ایرج نبوی

شهر یارانی که تار یخ با عنوان «کمیو» از آنان تجلیل کرده است

عصر آریامهر دنباله منطقی و اوج
افتخار آمیز تاریخ شاهنشاهی و
الدوران تمدن بزرگ انجلی شکوهمندترین
دوران تاریخ ایران است

۳ - داریوش، شاه بزرگ،

شاه شاهان

« چنانچه ، که اراده من بود ، اگر
« میخواستی باختلاف کشورهایی که
« داریوش اداره میکرد وفق آفتی
« (توسع و کثرت ملل آزاد شده را
« دریاي) ، باین صورتهائی که تحت
« مرا میرشد ، بنگر ، ازاین راه ایشان
« را خواهی شناخت . و خواهی دانست
« که نیزه های پارسی بسیار دور رفته
« تاریخ ، و سربازان پارسی در نقاطی که از
« پارس بسیار دور بوده است ،
« چنگیزند . »

شاهنشاه بزرگ هخامنشی و دومین سردار
کبیر تاریخ ایران درآینده و نقشی آن
رسالت تاریخی خود را شرح میدهد ، وسعت
سرزمینهای پهنوار و متمصرات ایران امکنش
میسازد ، کثرت ملل متوعی را که از شرق تا
غرب واز شمال تا جنوب قواین و احکام
ایرانیان برپا میداند ، برمشارده و در پایان
بزرگترین گشایش و گشتگشای خصلت انگیسونه
سربازان بزرگ است ، شجاعت و فداکاری
سربازان و موطنان پارسی خود را میستاید
و با بیانی موثر عظمت و وسعت کشور خویش را
نتیجه مردانگی و جایزای آنان میداند .

اگر ایران عصر کوروش کبیر از نظر
بنیانگذاری تاریخ و شاهنشاهی ایران و
پیریزی تمدن و فرهنگ استواران حائز
اهمیت خاصی است . ایران عصر داریوش کبیر ،
نخست انظرفتجات شاهنشاهی ایران از حکومتی
غالب ، دوم از لحاظ کشورگشایی و سیاست
علاقه های که بتوسعه تصرفات ایران داشت و
مهمتر ازاین ، دوم ، بواسطه ایجاد دستکیرلات
لشکری و کسوری و قضائی مسیح و اصولی
و توسعه مخصوص با ایجاد راهها ، ترویج و تمهید
عدل و داد و بیاض قواین عدالته برای همه
مناطیکه از شرقی ترین مناطق تمدن دنیای
آنروز (شیفارهند) تا غربی ترین نقطه
(یونان قدیم) واز سواحل جیحون (درقالب
آسیا) تا سرزمین حبشه (در شمال آفریقا) در
نظریک به طرح سرزمین ، در تاریخ ایران
کهن از ویژگی و اهمیت و اعتبار خاصی
برخوردار است .

در آغاز پادشاهی داریوش ، پس از یک
دوران اتحاد و یکپارچگی ، امپراطوری ایران
دوران دیگر باخطر ملوک الطوائفی روبرو شده بود
و ایسا که این خطر باهدام جامعه یکپارچگی
میانجامید نتیجه یک دوران پرتلاش از زمان
هخامنشی تا در گذشت کوچیجیه بود .
این ملوک الطوائفی منحصر بایران نبود ،
سرزمین فراغت مرکب از ۲۲ حکومت مجزا
ازهم بود و در هر یک از شهرها یونان حکومتی

و باخطر پاسداری از میراث ارزنده ای است که
همین مردان برایا بیاد گاز نهاده اند ... اما
داریوش زمانی به ملتیت و ایرانی بودن خود
میبالد و افتخار میکند ، که هنوز پیش از چند
دهه از تشکیل و پیدایش شاهنشاهی ایران
نیگندرد و هنوز وطن دوستی و میهن پرستی در
هیچ کجا شکل نگرفته است . در چنین شرایطی
پیش بینی آینده تانبا یک کشور و جاودانگی
تاریخ ، فرهند و تمدن آن یک چنانی نیست
و آیدندگی عجیب و معجزه آسا نیاز دارد .
داریوش دارای چنین خصوصیتی است .

داریوش را مینورست بزرگ تاریخ لقب
داده اند . و این سخنی گراف نیست البتة این گفته
میچوچده وطن دوستی اسلاف او - از خمانچه
گرفته تا کجسته - را منکر نمیشود ، ولی این
داریوش است که برای اولین بار هر جا که اثری
از خود بجای می نهاده به « ایرانی » بودن خویش
افتخار میکند ، و از اینکه ژاد او پارسی و ایرانی
است بخوشد میباشد . تا آنجا که قریباً همه
کیمیای از داریوش نمیتوان یافت مگر اینکه
این نکته درآن تأکید شده باشد . او پارسیست
ایران زندگی خود را آغاز کرد ، با سرش
این رسالت خود را پایان رسانید و سرانجام
تیر سرشار از روح ایران پرستی به جاودگی
پیوست . کیمیای آرامگاه او در « نقش رستم »
فارس و از قرنها پیش تا امروز بازگویی این
واقعیت است :

« منم داریوش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ،
« شاه کشورهاییکه سکن زندگانی بسیار
« است . شاه این زمین پهنوار ، کس
« تواحسی بسیار دور ، پسر و شتاب
« هخامنشی ، پارسی ، پسر پارسی .
« آریائی از نژاد آریائی . . . »

یعنی اگر ما امروز پس از دوهزار و پانصد
سال تاریخ مدون شاهنشاهی ، پس از اینکه
بیست و پنج قرن اجدهمان نسل بعد از درآین
سرزمین زیستن و این همه میراث از جید و عظمت
برایمان یادگار نهاده ، بایرانی بودن خود
میبایم ، و او از همان آغاز به ذات و قومیت و
مردم خویش افتخار میکرد است . در
همین کتبه است که باز داریوش بملت خویش
میبالد واز اینکه نیزه های سربازان « پارسی »
تا سرزمینهای دورست پیشرفته و روشنائی
مشعل تمدن هخامنشی تا نازیکترین اقطار دنیای
تاریک آنروز تابانده اند ، با غرور بسیار یاد
میکند :

« وقتی که اهورامزدا دید که کار زمین
« مختل شده ، آنرا بمن سپرد و مرا
« شاه کرد . من بیاری اهورامزدا کار
« زمین را درست دادم . هر چه امر کردم ،

نویسنده : بهمن روئین

چنانکه در مقدمه این سلسله مقالات یادآور
شدیم ، چهار سردار بزرگ تاریخ ایران ،
هریک در شرایط خلیف و حساس ظهور کردند ،
که موجودیت این سرزمین بنحوی مورد
مخاطره قرار گرفته بود . پس از اینکه کوروش
کبیر شاهنشاهی بزرگ هخامنشی را بنیان نهاد
و مرزهای آنرا متحد کردی که بتصوره نمیگنجد ،
گسترش داد و پانصد و سی و دو سال خود را
در تاریخ جاودانه ساخت ، سرانجام در سال
بیست و یکم سلطنت ، در جریان نبردی که
آسوی رود چین اتفاق افتاد و هفت آن سرکوبی
اقدام متجاوز « هخا » و « ماساگ » و آشنا
ساختن این اقوام با اصول نوین زندگی و تمدن
هخامنشی بود ، زحمی کاری برداشت ، که به
زندگی پرفخارت و آیین داد .

کوچیجیه ، فرزند خلف کوروش کبیر راه
پدر را قهرمانانه ادامه داد . ولی مرگ ناگهانی
او در شام ، چیزی نمونده بود که رشته اقتدار
و قدرت دولت جوان هخامنشی را از هم بگسلد
و نتیجه تالشها و یکپارچگی کوروش کبیر بود .
مخاطر تشکیل چنین دولتی بکلی نقش بر آب
سازد . مخصوصاً پادشاهی غاصبانه کوشامتیغ
که بدروغ خود را پسر کوروش و برادر کوچیجیه
لقبدا میگرد خطرناک پیشانی پیش در شام ساخته
و تجزیه و انهدام ملکشرا دیدن کرد میبود .
در چنین موقعیت یاریک و خلیف است که
داریوش موقت میباید و با تدبیر و اراده و
کلیاتی که خاص خود اوست ، فتنه گومات را
فرو میشاند و با دستاری و باوایدی بزرگان
پارسی و ایرانیان امیل . بر تخت سلطنت کوچیجیه
دزدندگی و سلطنت داریوش یک نکته
بسیار حساس وجود دارد . این شاهنشاهی بزرگ
پیش از هر کس با اهمیت کار کوروش کبیر در
بنیانگذاری تمدن و تاریخ مردم پارسی واقع
بود . کوچی جنوبی میبایدست و بروشنی میدید
که این تمدن دریا قرنها و قرنها دوام خواهد
داشت ، بر اقتدار جهان پرتوافشانی خواهد کرد
و تکیه گاه و نقطه امید همه مردم نیک اندیش
و قریبخواه جهان خواهد بود . او ب سرزمین
خود ، بملت خود ، باوصالت قوم ژاد ادرانی
ایسان داشت و آینده این سرزمین را یک
چنان بیانش میگرفت و بیوض اساسی پیش میگردد
رسالت خود را در این میدید که همه زندگی و
کوشش خود را در این سرفرازی و آبادانی
و این آب و خاک و باخطر سرزمین ایران و ایرانی
معروف دارد .

اگر امروز ما مینم خود را دوست داریم ،
پسر زویو با پای و اجادای خود عشق میوزیم ،
بایرانی بودن خود میبایم و افتخار کنیم ،
بخاطر دوهزار و پانصد سال پشتوانه تاریخی
و باخطر کارنامه های درخشان کوروش ، شاه
داریوش و همه نیایان پاک نهادی است که
هر یک بنحوی در راه سر بلندی ایران و دفاع
از این آب و خاک فداکاری و جانپازی کردند ،
نتیجه آگاهی پر حمله های غرور آفرینی است
که سازندگان آنها اجدهمان نامدار خود مایند ،

پادشاه کار در ایران باستان

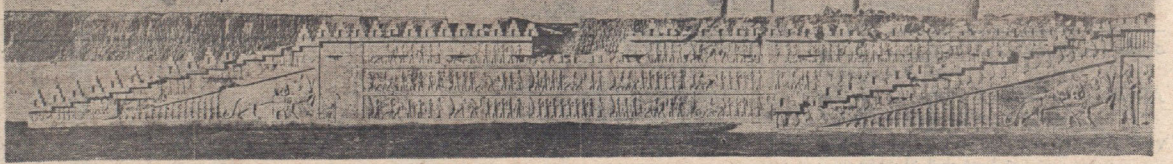
- ۱ پیغه از صفی
- ۲ سیم میباید
- ۳ « مردوگا » دستور گرفته است .
- ۴ « آریاتش » به « هووش » فرزند اریاره ، گزارش میدهد :
- ۵ « کارشا » و « ویک شکل » و « ویک چهارم » شکل :
- ۶ سیم برابر نیم مزد کارگرایان که با کورادا ، عنوان سرکاری
صدرتقررا در شیراز دارد ، باسختگوی کار ایشان است ، برای
« سامیا » (ما با زده ام) در سال نوزدهم (شاهنشاهی
خشانپارشا) داده میشود .
- ۷ ۱۲ ترم دوم ، هر کدام سه شکل و سه چهارم شکل
- ۸ ۱۱ پیرچه ، هر کدام ۲ شکل
- ۹ ۱۱ پیرچه ، هر کدام با شکل و سه چهارم و با هختم شکل
- ۱۰ ۱۴ پیرچه هر کدام با شکل و یک چهارم شکل
- ۱۱ ۱۵ پیرچه ، هر کدام نیم شکل و یک هختم شکل

روزنامه جشن شاهنشاهی

با مقررات و آداب و رسوم متفاوت با یکدیگر
وجود داشت ، اما ایران نباید با چنین
سروشتی روبرو میشد . بهین جهت داریوش
هم خود را مصروف از میان بردن ملوک الطوائفی
در سرزمین پهنوار ایران ساخت و نخستین
دولتی را بوجود آورد ، که در آن ملل
کویاگون دنیای قدیم طبق قواین عدالته
واحدی بودند و دولت مرکزی بر سراسر این
امپراتوری پهنوار فرمان میراند .
حکومت موقت و غاصبانه گومات باعث
آشننگی های بسیار درآینده شدند و جمعی
از گردنکشان فرستاد یافته بودند ، تا با استفاده
از ضعف حکومت مرکزی طغیان کرده به
یابگری برخیزند . و این امر بیکاز مشکلات
بزرگ آغاز پادشاهی داریوش را بوجود آورد
بوده که باکاست و شجاعت جلی بر همه آنها
پیروز شد . در کتبه بیستون که شرح این
نبردها بر آن نقش شده است تصویر درآیند
کبیر را درحالی می بینیم که پای برکنش
گومات مع نهاده است ، پشت سر او نیزه های
کسپاز حکومت متفخانه گومات درآیند
گوشه های بر داشته بودند ، دست بسته دیده
میشوند . اما از کتبه قسط معکس کننده
نخستین شاهای سلطنت داریوش و سیروزی
او برگردنشان داخلی است . کوروش کبیر
داریوش که دخترانترین بخش کارنامه داریوش
بزرگ را تشکیل میدهند ، خود داستان دیگری
است که در مقاله های دیگر بیان میگردانیم .
در اینجا فقط بعنوان حسن ختام کیمیای دیگر
از داریوش را میآوریم که طمان آن هنگام
و وسعت امپراطوری خود سخن گفته است .
او دوست امپراطوری و پیروان کسان
دنیای قدیم ، توانسته بودند وسعت سرزمین
خود را حتی با اندازه یکی از نوابان زمین های
آن گسترش دهند .
شاهنشاه بزرگ هخامنشی در الواح پرتال
و تقراری از خود بیاید نهاده است و در سال
۱۳۲۲ زبیر های طالار برآمده کاخ « پاپانا »
بستامه ، وسعت و عظمت امپراطوری خود را
بدین شرح بیان میکند :

« داریوش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه
« ممالک ، چون و شتاب هخامنشی
« گوید : ایست سفینه کهن دارم .
« از شکاهای پش منگی (شاهواره
« سرقدگ گرفته ، تا کوشا (حبشه) ،
« از سنده گرفته ، تا سیرد (سارد ،
« در مغرب آریای صغیر (که آن را ،
« اهورامزدا بمن بخشیده ، که بزرگترین
« خردبازانم از اهنورازدا ، مرا و
« خاندانم را پس دارد . »
و این دعا و آرزوی داریوش تحقیق کامل
یافت . چنانکه اکنون دوهزار و پانصد سال پس
از آن روز گاران همه جهانیان ، بیاس دینی که
نسبت به خاندان هخامنشی برعهده دارند ، در
مراسم تجلیل و بزرگداشت آنان صمیمانه
شرکت چندانند و ما در مقاله بعدی خواهد دیدیم
گفت که چرا همه ملت های کیتی خود را مدوین
نیوغ و اندیشه داریوش میدانند .

تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم



✳ جنگی که هر ودوت به تحریف نقل کرده اروپا را تافرنها از وحشت قوم زردنجات داد

۳-

«وقتی که داریوش در تهیه سفر جنگی به مملکت سکاها بود، به اطراف مامور فرستاده پیاده و سوار میخواست، و در بنفوق تراقیه پل میساختند، آرتابان، پسر هیستاسب و برادر داریوش به او گفت، به مملکت سکاها برو چه آنها قهرند، ولی داریوش حرف او را نشنید، و همین که تدارکات او تکمیل شد، از شوش حرکت کرد، و در این سفر جنگی عدیمی از مردمان تابع او بودند و قشون او بی تجربه به مقصد هزار نفر و عده کنتیها بهشمد فروید بالغ بود، و باز «داریوش بایست رسیدن از آن عبور کرد، و به بنیانها گفت پل را خراب کرده با سپاه پیری عدیم نایل من بیاید وقتی که میخواستند پل را خراب کنند، کوشی پسر ارکانسدر به داریوش چنین گفت: سها، و خواهی سواهی داخل مملکتی شوی، و که در آن فراموشی خوانی یافت و نه شهری، پس گفتند این پل یاقی بنا شد و محافظان آنرا از کانی قرارده که آنرا ساختند، پسر سکاها رسیده با بهره‌مندی کار را انجام دادند، راه مراجعت خواجیم داشت و اگر نتوانستیم به آنها برسیم، لالال راه بازگشت تا همین شده است، این پیشنهاد من نه برای فایده شخصی است و نه برای اینکه اینجا بنام، بلکه بنظر من ملاحظه است، داریوش را این سخن بسیار خوش آمده، در جواب گفت: ای لیلی، مهربان، وقتی که من سالم برگشتن البته تو نزد من آگتا پاداشی بتو درازای پیشنهاد خوبی که کردی بدهم.»

سرمین سکاها داد، و از وصفهایی که هرودوت در باب اقامت داریوش، در آسیای صغیر میگوید و رام کرین و بفرمان در آوردن کتیاها، و سراسر قلمرو آباد شده اروپا، پادشاه است که سها، شاهنشاه در انتظار فرصت مناسبی است که میتوان، بهسرمین سکاها، رفت. اگر اطلاع دقیق، در باب جنگی که در سرمین سکاها، رویداد، امروز بدست نیست و آن قسمت سنگ نبشته داریوش نیز، که حاوی اطلاعات کلی درین باب بوده آسیب زمان دیده است و جز نامها، سکاکیه که داریوش شاه باستان آورده است، و دیگری را از سوی خویش، برمسند وی نمانده، بیامی برای ما نمانده، اما همین پیام، باستان زمان اقامت سپاه پیسج شده داریوش شاه، در سکاکیه رهاوردی که شاه بزرگ از آن خبر میدهند کتیا میگویند، بما نشان دهد، چنگک داریوش، برای سرکوب سکاها، جنگی کرده است، بافتنه از پیش‌تهیه شده، و نقشه دقیق باجرا درآمده، و در این لشکرکی، هیچ یاک از افسانه‌های بهیفته شده روایات هرودوت، نمیتوانسته روی دهد. یک سپاه منظم، تحت فرمان فرماندهی مقتدر و آگاه، بهسرمین وارد شده است که در مریی به عرض طول صدوسیوسه فرسنگ می‌گنجد، و این سپاه، از مرکز ستاد، چندشاخه شده، بهتعبق نشین پرداخته است. و از آن یک کوفچ رسیده، راهی را که رفته بود، بازگشته است، و مدت این رفتن و بایروزی یادگشتن، از دوام تجاوز نکرده است، و در این مدت، میسر نیست آن قبیل افسانه‌های بهیفته شده روایات هرودوت، و تحقیق یابند و حتی اگر شستن، بخواهند، بجالی برایش دست دهده که بهراشتیها را، به بافتن کوشیها راپوشاند.

هرودوت، قسمی، دریایان لشکرکی دوامه بمسکاکیه آورده است، که خود بهترین معیار برای سرگشتها و روایت‌های دوره بعد است، او نقل میکند، از آن پس که سکاها مدتی از برابر سپاه شاهنشاه گریختند، سرانجام، بیایه جنگ با سپاه داریوش آماده شدند و داریوش سوارهای خود را برای جنگ با داریوش حاضر کردند، در این احوال از میان منقوف آنها گروهی دوید و سکاها کار جنگ را گذاشته از عقب او دویدند، همه و غوغا توجه داریوش را جلب کرد و پس از اینکه جهت را فهمید، در بعضیها خود کورده چنین گفت: «این مردم بنا بانظر بیایم میگردند... بنابراین باید خوب فکر کرد، که راه بازگشت خود را چگونه تامین کنیم.

گورنایس در این موقع چنین گفت: شاه، فکر این مردم را من سابقا هم شنیده بودم، و حالا درین باب یقین یافته، چه می‌بینم که ما را استهزاء می‌کنند.» و بی آنکه صحنه جنگی و حادثه‌ی دریش باشد از سردرپی خسروش گذاشتن سکاها، راوی هرودوت، و چنان هیولای مهبی، بهخیال خود پدید آورده است که ساهی که تا این زمان، قدم به قدم، سردرپی سکاها داشت و آنها را دنبال میکرد ناگهان بهصراقت فرار میافتد، آنهم چنان فراری که برای فریب دشمن هیولا شده، عدیمی از سپاه را بلانگردان سازد، این دنباله روایت هرودوت است از قول گورنایس: «بنابر این تصور می‌کنم که چنین کنیم: همین که شب در رسید آتشها را روشن کرده آن قسمت لشکر که، که کمتر از همه میتوان تحمل سختیها کند، در محل گذارده، و زود حرکت کرده به ایستر برسیم، قبل از اینکه سکاها برای خراب کردن پل یابن سو در رسیده و بنیانها مبدن به کاری کرده باشند که فانی ما، در آنست. داریوش، همین که شب در رسیده موافق این عقیده رفتار کرد، شفا را از جهت ضعف آنها در محل گذاشت، یعنی فزای حتمی سوق داد، و بعد از روشن کردن آتشها، حرکت کرد، روز دیگر ایرانی‌های ضعیف چون دیدند که آنها را بخودشان واگذارند، دستهای خود را بطرف سکاها دراز کرده امان خواستند و سکاها چنین‌گاه شده بهتعبق نشین داریوش پرداختند.»

و باز خواننده انتظار دارد که این تعبیر اولی با حادثه‌ی همراه باشد. وقت کنی: «ولی چون بهتر از افسانه‌ها را می‌توانستند، از راه نزدیک حرکت کردند و بی آنکه به پارسی‌ها برخوردند، زودتر از آنها به ایستر رسیدند. پس از آن، بنیانها چنین گفتند: دوام مدتی که برای خراب شدن پل بود، سرآمده حالا پل را خراب کرده بوطن خودشان برگردید و از آزادی خود برخوردار گشته بخدایان سکاکی را شکر کنید. آن کسی که آقای شما بود، حالا دیگر از دست ما جان بدر نبرد.» بعد هرودوت به نقل قولهایش می‌پردازد، که در آن تسویه حساب‌های تمسب آمیز بین شهرهای یونانی نشین، مطرح است. و برای ختم مطلب، باز روایت را چنین ادامه میدهد: «پس از آنکه بنیانهای میکانظ پل سکاها قانع گردند که پل را ویران میکنند، سکاها به قصد حمله به پارسی‌ها شتافتند و آنها را اینگونه که سپاه پارسی راهی را اختیار کرده بود که سکاها مراتب آنها خراب کرده بودند و سکاها

فجنامه خویش را، بردشمنان و کینه‌جویان و توفته‌گران آیین شاهنشاهی صادر کرد. و این جوش و خروش سهمگین که در نصف روز، حاصل توفته دوازده سال دشمنان خارجی ایران و نوکران ایرانی آنها را، بید فنا داد، در عظمت، درست برابر بابت دوران هزار ساله بود، که ملت ایران، برای حفظ آیین شاهنشاهی خویش از ستیزد زبانی، و دواخانه خوانی و روایت‌های شورا انگیز دوران سلطنتی، و دوران بشکوه و پیروزمند شاهنشاهی، از آیین را سینه به سینه و نسل به نسل حراست میکرد تا سرانجام، به شایسته ترین، و نام‌آورترین مردان ایرانی، و دودمان، و وی که فرقه شاهنشاهی بترارک آن مییابد، تحویل داد.

تاریخ ایران، از این معجزه آفرینی‌ها، در لحظه‌های حساس بسیار دارد ولی ۲۸ مرداد، چنان روزی بود که درودخلت اصلی این شاهنشاهی، هر دو خلعت لازم یک حیات جاویدان و فنا ناپذیر که دوزخ را بنامشمال آن برابر

ایزروانها، بعد از آن بررسی که ازسابقه و از نحوه کار داریوش، در فراموش کردن مقدمات لشکرکی بهسرمین سکاها شده میزان بی اعتباری خود را خوب نشان میدهد، و امید خواهد دید چرا این قبیل مطالب هر چه شده است اما اکنون بحث بر سر سپاهی است که داریوش، بهسرمین اروپایی میفرستد، داریوش، چنانکه از روایت کتیراس برمیآید نخست از مدتها پیش به کسب اطلاعات دقیق درباره این لشکرکی، و موقع و امکانات دشمن پرداخت، و آریامانه شهریان کاپادوکیه را پلین کار مامور کرد، و او گروهی را از سکاها، اسیر کرد و این اسیران، که در میان آنها برادر یکی از روسای سکاها نیز بود، مجموعه اطلاعات ضروری را برای لشکرکی سکاکیه، در اختیار شاهنشاه گذاشتند و براساس این اطلاعات بود، که داریوش، در تریب حرکت سپاه خود را به

روز نمایش دو خلعت

بقیه از صفحه ۱

آنها، پیش از تصرف و تحمل خشم ملت را نابود، و زانو زد، و سربازان و پاسبان، که فرمان یافته بودند، بروی خواهران و برادران حوظلی مدافع شاهنشاهی ایران، گلوله ببارانند، هنگامی که شاعرهای شورا انگیز زنان و مردان، در خیابانها داغ و سوزان شهر طنین انداخت، و میجانب آمده، و صف توفته‌گران را شکسته و گروه گروه به صف ملت پیوستند که با فریاد جاوید شاه، اراده قاطع خود را برای حراست از آیین شاهنشاهی ایران ابراز میکرد، و این اراده را بسا کنار خود، و با پاردهای مغوی متلاشی شده از گلوله تن عودت برکف خیابانها دویار ساختند منتشر کردند بودند. روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۳، روزی شکفت بود، و روز خورشید، از وسط آسمان چندان دور نشده بود که ملت روزنامه جشن شاهنشاهی

مات، یکجا تجلی کرد، ملت دوستی و طلوع مهربانی بدران شاهنشاه، تاجایی که تلخ‌ترین تمسیم را برای حراست جان ملت خویش آغاز کردند، و شاپرستی و جان بازی، ملت که میبانت کوجکترین کوتاهی، رشتت حیات تمدن و فرهنگ خدایی، و روحان او را منتظر میسازد.

درواقع، ملت ایران، باخوش خویش، در روز ۲۸ مرداد، بیهای جشن آیین شاهنشاهی را گذراند تا مردم، و در آستانه برگزاری جشن‌های پر شکوه شاهنشاهی، همچنانکه لازم است، بیگانگان دوست و بیگانگان دشمن این جلوه‌های پیوند ملت ایران را با آیین شاهنشاهی دریابند و درک کنند، با یاد آوری خاطره جاننازان ۲۸ مرداد و جاننازان طول تاریخ دوزخوار و نامند ساله شاهنشاهی، و بران آنان درود میفرستیم، بیرون کسانی که غیرت و حیثیت و شوریان آنها، امروز برای آیین شاهنشاهی آرزو درگه، در اوج و در ارتقاع عظمت تاریخ خویش قرار داده است.



حسبهای جشن از داخل و خارج

پوشش عمرانی بر تمام سطح کشور گسترده شده است صدها هزار هکتار مراتع کشور احیاء میشود

چهره سازنده جشنها

- اهمیت، چهره سازنده، سالگوش بزرگ در این است که در اجرای برنامه‌های عمرانی - اقتصادی - صنعتی و درمانی و فرهنگی همه‌جای مملکت بیک‌چشم نگاه شده میشود...
- نقشه‌ای از این خالها و روستا راه می‌خواهد، برنامه‌های سازنده، نبرده باشد.
- دواغ پوشش عمران و آبادانی، روی سطح کلیه شئون مملکت گسترده شده است.
- شهر آسفتا می‌خواهد، روستا راه می‌خواهد، بخش پدروماتگاه نیاز دارد و مرکز استان به‌هتل آبرومند.
- گوهر تشنه یاف و نهال است. مراتع نیاز به‌احیاء دارد... مراتع، سرزمین چرا برای دامهای کشور است... بایدبگر آنان نیز بود...
- باید تصحیح کنیم این عقلت را و این برنامه‌های حیاتبخش را که مردم سازمانها، مشتاقانه و با تلاش هرچه بیشتر، در انجامش می‌کوشند.

اصلاح مراتع

● اقداماتی که در زمینه اصلاح مراتع تاکنون در منطقه استان مرکزی انجام شده است شرح زیر میباشد: ایجاد خزانه‌ای با ظرفیت ۶۰۰۰۰ ر.۱۶ اصله نهال که در اوایل سال جاری در سطح ۴۰۰ هکتار برای استفاده و آگاهی در مراتع مخروطی منطقه مزبور کشت گردیده است.

● احداث خزانه‌ای به‌تعداد ۲۰۰۰۰ اصله نهال «کوخیا» ۲۰۰ هکتار نهال تاغ و ۵۰۰۰ اصله از گیاهان بومی در منطقه مزبور.

● کشت تعداد ۲۰ هزار نهال در مراتع منطقه فرح‌آباد و بندکاری در سطح ۵ هکتار از مراتع مورد اشاره

● اجرای عملیات احیائی در ۵۰ هکتار از مراتع مخروطی هشتگرد و بندرپاشی در سطح ۱۰۰ هکتار مرتع.

● شنا، عملیات حفر یک چاه و احداث آبشخور و نصب تلمبه‌بادی در مراتع زرنده ساوه، میمه و دلیجان پایان یافته است.

در استان فارس:

● ایجاد خزانه به‌تعداد ۲۲۰ هزار اصله نهال برای اجرای برنامه‌های مرتع‌کاری که یکمصد هزار اصله آن در سطح ۱۰۰ هکتار از مراتع کودنگار کشت گردیده است.

در استان کرمان:

● کشت تعداد ۳۵۰ هزار نهال و آماده کردن آنها جهت استفاده در عملیات اصلاح مراتع که ۵۰ هزار اصله از این نهالها روی خطوطی در سطح ۵۰ هکتار از مراتع کوچکینی کشت گردیده است.

● کشت ۶۴ کیلو بندر در سطحی معادل ۴۲ هکتار از مراتع مخروطی.

● احداث ۹ واحد سد سنگی

● حفر یک حلقه چاه و احداث یک آبشخور در مرتع شاه‌ننداب.

در استان خوزستان:

● ایجاد خزانه و کشت ۲۵۰ هزار نهال جهت استفاده در عملیات اصلاح مراتع.

● انجام مرتع‌کاری دیم در سطح ۵۰۰ هکتار از مراتع بروجن.

● بندرکاری در مراتع سمیرم.

● در فریدن واقع در ۱۳۰ کیلومتر جاده «اصفهان-ازنا»

- طرح مرتعداری زرنده ساوه بساحت ۱۶۱۰۰۴۶ هکتار که آماده‌بربرداری است.
- طرح مرتعداری اویاتو کرستان بساحت ۸۹۰۰۰۰ هکتار که ۲۰ درصد عملیات آن انجام یافته است.
- طرح مرتعداری سبزوار بساحت ۸۳۰۰۰۰ هکتار که ۷۰ درصد عملیات آن انجام شده است.
- طرح مرتعداری کرمان بساحت ۲۵۰۰۰۰۰ هکتار که ۵۰ درصد عملیات آن پایان یافته است.

فعالیت اصلاح مراتع:

- درسال کوروش کبیر عملیات اصلاح مراتع بشرح زیر پیش‌بینی شده است:
- استان‌های کرمان ۲۰۰۰ هکتار - فارس ۱۰۰۰ هکتار - اصفهان ۲۰۰۰ هکتار - مرکزی ۳۰۰۰ هکتار - مازندران ۲۰۰ هکتار - خوزستان ۱۰۰۰ هکتار - کرمانشاه ۵۰۰ هکتار - سمنان ۱۰۰ هکتار - بندرعباس ۱۰۰ هکتار - خراسان ۱۰۰ هکتار - سیستان و بلوچستان ۱۰۰ هکتار.

کمیته جشن شاهنشاهی

در مالزی

ریاست عالی

اعلیحضرت عبدالعلیم معظم شاه، پادشاه مالزی

رئیس اجرائی

جناب آقای نخستوزیر

اعضای کمیته



اعلیحضرت عبدالعلیم معظم شاه، پادشاه مالزی



جناب آقای تونکو عبدالرزاق

- جناب آقای تونکو عبدالرزاق معاون نخستوزیر
- جناب آقای نون‌جای عبدالملک بن‌یوسف دایوماهارنا فرماندار ملاکا
- جناب آقای نون‌تکیوان حاجی احمد رافعین‌اونگ کابانتکیوان حاجی عمی فرماندار کل صباح
- جناب آقای نون‌سیدشاه ابن‌سید حسن برفه فرماندار ساراواک
- جناب آقای نون‌هنری هان شیلتی نخستوزیر ایالتی صباح
- جناب آقای نون‌داتونومصطفی بزداوهرون
- جناب آقای نون‌دکتراسمیل بزداوهوالحمین
- جناب آقای نون‌نلان‌سوسین
- جناب آقای نون و - تصمیلستان
- جناب آقای نون ظلمی بن‌حاجی‌محمد
- جناب آقای داتویوسف‌بن‌شیخ عبدالرحمن
- جناب آقای نان‌شری‌حاجی‌سردون بن‌حاجی‌جیسر
- جناب آقای خیزین‌جوهری
- جناب آقای نان‌شری‌و‌خاواکی‌بوه
- جناب آقای نان‌شری‌مانگا‌واسالام
- جناب آقای نان‌شری‌حاجی‌محمد فرالی‌بن‌چایو
- جناب آقای انج‌سیدالفار بزداپا
- جناب آقای داتوفتی‌تیونگ
- جناب آقای انج‌لی‌سوه
- جناب آقای داتو‌هزه‌بن‌داتو ابروسع داتوسیتادی‌داجا
- جناب بان‌نان‌شری‌فاطمه بنت حاجی‌هاتم
- جناب آقای نان‌شری‌فادران یوسف
- نان شری عبدالقادر ابن‌شمس‌الدین نان شری‌بن‌ک‌احمد‌کامل ابن‌حاجی بن‌لحم‌محمد
- نان شری‌محمد فرالی ابن‌شارع
- نان شری عزیز بن‌یوب
- پروف‌سور نان‌شری عبدالجلیل
- بن‌حاجی‌حسن
- پروف‌سور اونگر عبدالعزیز
- ابن‌عبدالحمید داتوحسین بن‌نون‌الدین